

## ۱- موزيم ها گنجی که مجاهدین نصیب شدند

## ۲- سرنوشت شگفت انگیز گنجینه های طلا تپیه

برگهایی : از متن جلد دوم " جنگ های کابل " اثری منتشر نشده

جنگهای تابستان که در ماه اسد سال ۱۳۷۱ به شکل بغرنج و اسرار آمیزی در جنوب کابل و دارالامان شعله ور گردیده بود، مدت ۲۱ روز بدون وقفه تداوم حاصل کرد، در کنار خونباری و ویرانگری هرگاه سرقت موزیم ها (۱) در آنجا را در نظر بگیریم، این جنگ ها بعنوان اندوهبار ترین و غم انگیز ترین برهه جنگهای کابل رقم میخورد.

در باره سرقت و غارت در موزیم ها ( موزیم ملی و موزیم اردو) بوسیله گروههای مجاهدین شامل در جنگ های کابل، اینجا و آنجا با قلم پر اشک سخن رفته است، اما این قلم با بضاعت اندکش بر آنست که تاریخ تا هنوز پاسخ های روشن و نهائی را به این سرقت های المناک که شاهراک تاریخ را قطع کرده ، نداده است. در این جستار که پل پای جهنمی جنگ ها در کابل دنبال میشود، مجال رد یابی، نعل به نعل سارقان موزیم ها که در واقع وظیفه (یک دولت مشروع و مردمی است) بنابر دوری از مبحث اصلی میسر نیست. اما با حرمت و ارجمندی فروتنانه به زحمات نویسندگان و مترجمان که دست به قلم برده، در فجایع جنگ ها و از آنجمله در سوگ یغمای موزیم ها اشک ریخته اند، تلاش میکند با یک جستار شتابنده این سرقت ها، که پشت تاریخ را شکسته است، در برابر دیدگان نسلا قرار داده و مرزهای عبرت اندوزی تاریخی را از آن برجسته نماید.

### اسکان قوتهای مجاهدین در دارالامان انگیزه سرقت موزیم ها :

بعد از آنکه برنامه صلح سازمان ملل متحد در یک اقدام کودتائی توسط ائتلاف گوناگون با اشغال مزار شریف در آخر ماه حوت ۱۳۷۰ شمسی به شکست مواجه گردید، و بعد از آنکه قوت های ملیشه ئی مربوط رشید دوستم از بلخ و مجاهدین (شورای نظار) تحت فرماندهی احمد شاه مسعود، از جبل السراج جهت تکمیل کودتا بتاريخ ۲۶ حمل ۱۳۷۱ شمسی بکابل آورده شدند، چنین وضعی دیگر گروههای مجاهدین، بویژه حزب اسلامی گلب الدین حکمتیار (تسنن افراطی)، و حزب وحدت اسلامی " تشیع هزاره "، اتحاد اسلامی " تسنن وهابی " و حرکت اسلامی " تشیع " را که بشدت رقیب هم بودند، در اشغال بخش های از شهر تحریص و بر انگیخت. با این حال شهر کابل پارچه، پارچه به قلمروی فرمانروائی گروههای باهم دشمن جهادی و ملیشه ئی مبدل گردید. تسلط بر مناطق شهر از جمله در دارالامان، تنها بمعنی حضور پر قدرت، پایگاه و جبهه آرائی در میان تأسیسات دولتی و خانه های مردم نبود، بلکه بنا برهنجارها و فتاوی معلق " جهاد افغانی " گروه ها در قلمرو حاکمیت خود، مال و دارائی های ملی و حتی شخصی را بعنوان «ثمره جهاد» حق حلال و مشروع خود تصور نموده، آشکارا یا پنهانی در بست یا ضمنی سرقت و تاراج می نمودند.

در آن برهه آنگونه که بسیاری از شهریان کابل شاهدش بودند، مبدل گردیدن دارالامان بمواضع جنگی، مجاهدین احمد شاه مسعود، و شیخ آصف محسنی و افراد جنرال مومن در میان آگاهان نظامی بحثهای متفاوتی بر انگیخته بود، شماری جابجائی قوتها را در دارالامان جهت محافظت، موزیم ها، کاخ ها. قرارگاه های مملو از ثروت های نظامی، وراکت های سکا، اقدامی بجا و الزامی تلقی می نمودند، اما شماری دیگر که در اولین ساعات ورود گروهها بکابل شاهد چور و چپاول دارائی های ملی و شخصی بوسیله گروههای مجاهدین و ملیشه ها بودند.

اسکان و اقامت جنگجویان جهادی را در دارالامان یک عمل غیر عقلائی، عظمت طلبی عنوان نموده می گفتند؛ اگر مسئله حفاظت موزیم ها، کاخ ها و تأسیسات مدنظر می بود (۲) بجای مبدل نمودن محدوده موزیم ها و قصرها به پایگاه و مواضع جنگ، بایستی جنگجویان جهادی به مسافه « ۵ تا ۱۰ » کیلو متری جنوب تر از دارالامان، جابجا گردیده. با حریفان خود به تصفیه حساب پردازند، می بایستی ساحه دارالامان موزیم ها و قصرها، چهلستون، منطقه غیر نظامی اعلان گردیده، حفاظت آن به موسسات بین المللی ( یونسکو) سپرده می شد، ازینرو آگاهان با همین دلایل آینده وازگون کننده ئی را برای دارالامان و ارثیه های تاریخی آن، پیش بینی می نمودند.

### سرقت موزیم ها دشنه بر قلب تاریخ :

هرگاه واقعیت های جنگ در ساحه دارالامان در کنار هم قرار داده شود اسناد و شواهد انکار ناپذیری مبرهن می کند، فرماندهان جناح های که در دوران جنگ ها در دارالامان مستقر بودند، در سرقت آثار و گنجینه های تاریخی

موزیم ها ( موزیم ملی و موزیم اردو ) ویرانی کاخ های باشکوه دارالامان و چهلستون و غارت ثروت های ملی و دفاعی در آنجا بگونه ئی متناوب و زنجیره ئی، مستقیماً دست داشتند .

### مرحله نخست سرقت موزیم ها :

ساحه دارالامان (موزیم ها و قصرها) از ماه ثور سال ۱۳۷۱ تا ماه ثور سال ۱۳۷۲ شمسی) مطابق ( اپریل ۱۹۹۲ تا اپریل ۱۹۹۳ میلادی ) تحت تسلط مجاهدین ( شورای نظار، جمعیت اسلامی، تحت فرماندهی، احمد شاه مسعود، و حرکت اسلامی که در حبالهء " جمعیت اسلامی " در آمده بود، تحت فرماندهی سید حسین انوری و قطعهء مربوط جنرال مومن، افسر شورشی، لوی حیرتان قرار داشت.

طی مدت متذکره علی الرغم خشن تر گردیدن جناحهای متخاصم، جنگها میان هر دو محور اصلی ( احمد شاه مسعود و گلب الدین حکمتیار) با برخورداری از تنوع و پیچیده گی های زیادی که با پیشروی و عقب نشینی های وقفوی به شیوه و تاکتیک های چریکی توأم بود، دارالامان تحت فشار چندگانه، آتش های اسلحه ثقیل از یکسو سیل شتابان آتش های حزب اسلامی از جنوب، و ضربات ثقیل حزب وحدت اسلامی از شمال غرب قرار گرفته بود، طی این مدت :

**نخست :** هیچیک از جناح ها از پوتانسیل نظامی کافی که منجر به اشغال مناطق و قرارگاه های همدیگر خاصاً اشغال یا نفوذ بر ساحهء دارالامان بوسیله جناح های رقیب (حزب اسلامی، حزب وحدت) گردد اتفاق نیفتاده است. اما شاهدان صحنه ها (۳) اظهار مینمایند که عمدتاً در جریان شب ها در ساحهء موزیم ملی و اطراف قصر یک نوع اقدامات تیاترگونه جنگی که حمله و هجوم طرف مقابل در اطراف موزیم را به نمایش میگذاشت، به صحنه می آمد، موج آتشیهای شب تاب، بهرسو شلیک میگردد، اما از آتش یا حملهء پیاده نظام، جناح های مخالف خبر نمی بود، تلاطم فیرها و آتش ها سبب میگردد که همه افراد و اشخاص در آن ساحه، آنهائیکه از برنامه های مهندسی شده بخاطر سرقت آثار موزیم ها در اثنای شب ها اطلاعی نداشتند، به عمق سنگرها و محلات محفوظ، تهاوی ها، پناه برده پنهان گردند .

**سپس :** باتوجه به چور و چپاول گسترده دارائی های ملی و شخصی که با ورود مجاهدین و ملیشه های شمال در اوائل ماه ثور سال ۱۳۷۱ بکابل آغاز و تداوم یافته بود، دیگر پنهان نبود که موزیم ها با گنجینه های بی همتا و گرانبهای آن که در میدان جنگ قرار گرفته اند، اماج حملات دزدان جهادی و ملیشه ئی قرار میگردد، اما هیچگونه اقدامات مسئولانه و عملی از سوی حکومت، " ربانی" که قدرت مدار اصلی آن، احمد شاه مسعود ووزیر اطلاعات و فرهنگ آن ، شخصی بنام صدیق چکری (۴) بود صورت نگرفته و یا مساعی سازمانهای بین المللی از جمله، یونسکو که منجر به حفاظت آثار موزیم ها، از سرقت و غارت گردد جلب نگریده است.

همچنان هیچگونه اجراء مقتضی بخاطر حفاظت و سلامت کاخ های تاریخی دارالامان، چهلستون انجام دادن نشده است علی الوصف میرهن میشود که طی یکسال حضور قوای حکومت برهان الدین ربانی و ائتلاف آن در دارالامان، تحت رهبری فرمانده احمد شاه مسعود، بهترین و گرانبها ترین آثار و گنجینه های تاریخی و فرهنگی موزیم ها در سرقت های مهندسی شده بوسیله فرماندهان جنگ (۵) به سرقت برده شده است .

همچنان طی همین مدت آثار و داشته های تاریخی و فرهنگی ( موزیم اردو ) که در ساحهء شمالی قصر تاج بیک، دارالامان موقعیت داشت، بوسیله مجاهدین حرکت اسلامی، تحت رهبری شیخ آصف محسنی و فرمانده سید حسین انوری که آن ساحه را تحت کنترول داشتند(۶) به یغما برده شده است.

### مرحله دوم سرقت موزیم ملی :

حزب وحدت اسلامی تحت رهبری عبدالعلی مزاری، کریم خلیلی بعد از آنکه راکتها و گلوله های آتشین اش را برای فتح ؟ دارالامان و درهم کوبیدن مجاهدین مربوط ( مسعود و ربانی)، به پرواز در آورد، و طی جنگ های خونین و مخرب و با به شکست و فرار مواجه نمودن قوای " مسعود" دارالامان را بتاريخ ۱۴ / ۲ / ۱۳۷۲ خورشیدی در حالی به تصرف در آورد که قصر دارالامان در اثر جنگ های مجاهدین گروهی ( مسعود، حکمتیار، مزاری ) شدیداً خساره بر داشته بود تحت اشغال مجاهدین حزب اسلامی حکمتیار که از ساحهء جنوب به تهاجم پرداخته بودند در آمده بود ، به تصرف در آورد، از آن به بعد آثار و گنجینه های بجا مانده از دستبرد فرماندهان مسعود و ربانی، از سوی حزب وحدت، تحت رهبری عبدالعلی مزاری و کریم خلیلی، فرماندهان آن (۷) بسرقت برده شد.

### مرحله سوم، انهدام و نابودی موزیم ملی :

تاریخ دهه هفتاد خورشیدی در افغانستان بار اول با ورود تنظیم های مجاهدین و آغاز جنگ های کابل، بگونه غم انگیز، و بار دوم بعد از آنکه طالب ها کابل را به تصرف در آوردند، بشکل مسخرهء آن تکرار گردید. طالب ها بعد از بر پائی امارت اسلامی ویژهء خود شان، به موزیم ملی یورش برده، مجسمه های بودائی (خدایان باستان، پیکره

های مظهر زیبایی، هیكل های ستبر شماری با طبیعت عریان و بدن نماهای سفت شده) که با بی زبانی تاریخ را بازگو میکردند، بجرم مخالفت با اسلام، باتیر و تبر، توحش و تاجر نابود نمودند. (۸)

جنگ های عظمت طلبی و ثروت طلبی در کابل به کشتار و ویرانی، شهر، تأسیسات اقتصادی اجتماعی، فرهنگی چور و چپاول محدود نماند، بلکه سر زمین تاریخ و فرهنگ را نیز ویران کرد. موزیم ها در ساحه دارالامان (موزیم ملی و موزیم اردو) خانه های تاریخی ملت که سیمای مردم و تاریخ در آئینه آن دیده می شد و گوشه های از تاریخ چند هزار ساله را بدوش گرفته شتابان بجلو، می کشاند، ایجاد آن محصول کار نجیبانه و شریفانه چندین نسل بود، در سرقت های گسترده و سازمان یافته بوسیله گروه های مجاهدین شامل در جنگ های کابل بسرقت برده شده و نابود گردید.

سرقت موزیم ها و ویرانی قصر های دارالامان، چهلستون، چپاول ثروت های ملی، دارائی های شخصی فاجعه ایست استثنائی منحصر به شماری از گروه های مجاهدین شرکت داشته در جنگ های کابل، هیچ دزدی، غارتگری، راهزنی را در طول تاریخ نمیتوان بآن مقایسه کرد. جنگ های کابل جنایتی است پر از خیانت، سرشار از موقعیت های بحرانی که سیما و سجایای واقعی، جهادیسیم و جنگ سلاریسیم که در شبکه تنیده از ریا و دروغ پنهان نگهداشته میشود، به نمایش میگذاشت.

از آنچه به اختصار بیان شد هویدا میشود که سرقت موزیم ها در دارالامان، کار افراد عادی مجاهدین و آنهائیکه به جبر و اکراه با طرفند های زبانی، قومی و مذهبی به جبهات جنگ شهروندی در کابل سوق گردیده اند نیست. حقایق مانند راه اندازی جنگ های مصنوعی تیتر گونه، که زمینه سرقت ها را در موزیم مهیا می کرد، ثروتمند گردیدن فرماندهان جنگ ها که تقریباً صد فیصد آنها قبل از جنگ ها نه خود و نه از ارث خانواده از تمول بر خوردار بودند، اما از گرداب جنگ ها با ثروت های سرشار بدر آمدند، انتقال مصئون هوائی و زمینی آثار موزیم ها جهت فروش، بخارج کشور، سوختاندن دفاتر قید و ثبت البومها و کتلاک های آثار بعد از دزدی، بر مصداق قولی پروین اعتصامی:

### «دزد جاهل گر یکی ابریق برد» «دزد عارف دفتر تحقیق برد»

این ها حقایق اند که سرقت موزیمها را بوسیله فرماندهان ارشد مجاهدین که در دارالامان اقامت داشتند، اثبات میکنند.

#### سرقت ۳۲ میلیارد دالری :

با نگاه به درجه اهمیت تاریخی، فرهنگی و ارزش معنوی آثار و گنجینه های موزیم ها هر انسانی میتواند ادعا کند که به چنین سرمایه های تاریخی نمیتوان بهای را رقم زد، و آنرا به پول های مروج تبادل کرد. اما بخاطر معرفی حجم سنگین این سرقت ها، پیشگیری از فراموشی، آشنا ساختن نسل های امروزی و فردا به گستردگی این اندوهبار ترین و غم انگیز ترین سرقت ها آماری منتشر شده است.

نظر به گزارش جیمزستیل (۹) آمار شعبه آموزش و آگاهی فرهنگ یونسکو، مربوط سازمان ملل متحد، ارزش پولی آثار باستانی سرقت شده افغانستان به «سی و دو میلیارد» دالر امریکا بالغ می گردد.

بدین سان مبرهن میشود که جنگ های هدایت شده در ساحه دارالامان برای فرماندهان و سران جهادی و ملیشه ای گنج بود. و اما برای ملت افغانستان سرقت آثار و گنجینه های موزیمها تخریب کاخهای مجلل دارالامان، چهلستون، غارت دارائی ملی و شخصی یک فاجعه المناک تاریخی و ویرانه های بجا مانده از آن بعنوان ملموس ترین و عریان ترین اسناد جرم و جنایت کاری است.

بسیاری ها عقیده دارند که سرقت موزیم ها قبل از آنکه از شرایط جنگ و جنگجویان برخاسته باشد از پی آمد های منحوس جهاد افغانی است، که سران جهاد، چور و چپاول را بعنوان ثمره مشروع، جهاد؟ جایز شمرده و فتوا داده اند.

شکست طالبان در سال ۱۳۸۰ خ " ۲۰۰۱ میلادی " رویکار آمدن حکومت موقتی به رهبری ( حامد کرزی ) تحت حمایت ناتو، بجای اتکا به الترناتیف دموکراتیک طرفدار اصلاحات، دموکراسی، و ارزش های انسانی که جامعه را از جنگ و چنگال جهادیسیم رشد یابنده و تروریسم متشکله آن برهاند، از دو جناح جنگ های داخلی با ساختار های فکری مشابه و با کارهای بشدت خونبار و ویرانگر، که بقتل عام و تخطی های صریح حقوق بشر، سرقت و چپاول ثروت های ملی متهم اند، بیک جناح جنگها یعنی به شماری از گروه های مجاهدین و ملیشه ها اتکا صورت گرفت.

چنین راهبردی غیر عقلانی، فاقد چشم انداز های استراتژیک، در آغوش کشیدن، تقدیس و تشجیع از یک جناح بنیاد گرانی ( مجاهدین ) و سرکوب نظامی، و حواله بار حقارت ها به جناح دیگر بنیاد گرانی ( طالب ها ) بی توجه به بافت های پیچیده قومی، مذهبی و جیوپولیتیک منطقه و نقش بی کفایتی و فساد بر انگیز حکومت تحت حمایت اشتباهات مرگبار ناتو در بمباردمان شهروندان ملکی، انگیزه های انتقام جوئی با شعار مذهب در آمیخت و شعله های جهاد آگیر؟ طالب ها و یاران القاعده، از خاکستر جهاد قبل با انگیزه های نسبتاً جدیدی شهادت طلبی و تکفیر گرانی، علیه ناتو و حکومت کابل که رقیبان اصلی طالب ها در رؤس هرم قدرت آن جا دارند زبانه کشید و اینک در تداوم جنگ های تبهکارانه که بار اصلی آنرا شهروندان مستمند افغان بدوش میکشند، حکومت کابل به پناهگاه جنایت کاران جنگی و متهمان به تخطی های حقوق بشری سارقان ثروت های ملی، از جمله سارقان موزیمها مبدل گردیده، از یکسو گامی برای عدالت خواهی و بازیابی آثار موزیمها برداشته نشده و از سوی دیگر یکنوع اغماض و سکوت را در شیوه

کار و امور سازمانهای طویل و عریض، حقوق بشری داخلی و خارجی، در معرفی و بدادگاه کشاندن متهمان معلوم الحال به جنایات بشری، منجمله سارقان موزیمها، ویرانگران کاخهای دارالامان و چهلستون مستولی گردانده است.

### موزیم منهوب و شواهد شهود :

در سال ۱۳۸۳ خورشیدی " ۲۰۰۴ میلادی" در یک بعد از ظهر تابستانی که آفتاب مغرب شعله می کشید و مه ارغوانی رنگی به آسمان رها میگردد، به دیدار ویرانه های قصر دارالامان و عمارت موزیم ملی که در حال مرمت بود رفته بودم. قصر دارالامان و عمارت موزیم ویرانی المناکی را با شجاعت تحمل نموده، تصویر غمباری را به تماشا می گذاشتند. عمارت های اطراف جاده و حواشی موزیم با تنه های سوخته و پیکرهای داغان شده و به زانو افتاده سیمای جنگ و جنایت را مبرهن میکرد.

در مدخل موزیم در دیوار های مشرف بجاده عمومی که نقش داغان شده ئی رگبار گلوله ها و راکت ها تحت مرمت قرار گرفته بود، با یکی از کارمندان حرفوی موزیم ملاقی شدم، چهره او آشنا بود، در گذشته ها در دهه شصت حینیکه در قرار گاه وزارت دفاع و کاخ دارالامان، اشتغال داشتم، بارها او را چه در بازدید های انفرادی و یا جمعی با مدعیون سیمینارهای فرهنگی اردو، از موزیم دیده بودم، در اولین نگاه ها پرسید چگونه؟ شد، بعد از گذشت سالها یاد این مخروبه ها کردید؟ با اشاره بسوی ویرانه های قصر و عمارت موزیم منهوب گفتم، روزگاری این عمارت ها مانند نگینی در تاج شهر با شگوهندی می درخشید، آخر من تنها دوست دوران دبدبه وطننه این ها نبودم، بلکه بحیث دوست روز گار تباه شده و اندوهبار او آمده ام در سوک موزیم منهوب، بر زخم های دلشگاف و برج و باروی فرو ریخته و درهم شکسته کاخ ها اشک بریزم.

با حرمت به او گفتم، در جهان از تاریخ مراقبت میشود، میراث هر جنگی حفظ میشود تا برای نسل های بعدی، تاریخ را بازگو نماید، آیا؟ بهتر نمی بود یک بخش دیوار داغان شده ای موزیم با رگبار گلوله ها و زخم های دهن کشوده آن بحال اصلی اش ( بدون مرمت ) بجا گذاشته میشد تا معرف زنده جنگ و جنایت و سر گذشت موزیم می بود. زاویه نگاهش را بسوی دیوارهای داغان شده چرخاند، خشم میهمی گرداب دار در وجودش جوشید و گفت که من خود در دل حوادث جنگ ها در کابل زیسته ام، هرگز از چنکال خاطره های اندوهبار جنگ رهائی ندارم، گذشته ها را نمیشود فراموش کرد، دم به دم یاد می آید، قطره اشکی بگونه گندمی اش فرو غلطید و شیاری نمناکی بجا گذاشت و گفت، باوجودیکه جنگ سرطان منهوس بنیادگرایی هنوز از تداوم برخوردار است، ما در مرحله دیگری از زمان قرار داریم، بعد از سقوط طالبها بوسیله امریکا در سال ۲۰۰۱م، شماری از فرماندهان جنگهای کابل که نقش اصلی را در ویرانی قصرها و آبادی های دارالامان و سرقت موزیم ها را بدوش داشتند در رده های بالائی هرم قدرت جا گرفتند، حال از یکسو یغما گران و ویرانگران با قرار گرفتن زیر سایبان دولتی با فرار به جلو میخوانند، آثار جرم فردای بازرسی را از میان بردارند و ازسوی دیگر با تلاشها و تبلیغات عوامفریبانه تقدیس جهادیسیم و جنگ سلاریسم برای پوشاندن و به فراموشی سپردن سرقت ها در موزیم ملی، به ترمیم کالبد ظاهری موزیم منهوب پرداخته اند.

در پاسخ سوالم که سارقان آثار موزیم کدام اشخاص و کدام گروها بودند؟ در حالیکه آوازش بیشتر شبه گریه ئی خفه ئی بود که از روح رنج کشیده و نا امیدی بر میخواست، گفت : جواب معلوم است، گروهاییکه طی جنگ ها در دارالامان مسلط بودند، آنها سارقان اصلی گنجینه های موزیم اند. از جنگ های کابل سالها میگذرد، اما من نتوانسته ام آنرا از ذهنم بیرون کنم کابوس وار به آن مواجه هستم.

با تشدید جنگها در تابستان سال ۱۳۷۱، شیخ موحد جنگ در همه جای شهر به گردش در آمده بود، دارالامان به مرکز جنگهای گروهی مجاهدین تبدیل شده بود، آمدن به محل کار " موزیم " و عبور از پاتک های شهر تقسیم شده زیر پاشنه جناحهای خون آشام جنگ و اصابت راکتها و انفلاکها کار ساده نبود. در ماه سنبله ۱۳۷۱ شمسی در وقفه یک آتش بس بعد از بازرسی چندین پوسته، بالاخره موفق گردیدم بمحل کار خود " موزیم" در دارالامان برسم، تمام ساحه دارالامان، اطراف قصر و موزیم با جابجائی جنگ افزارها بیک میدان جنگ تبدیل شده بود، نقش چلیپائی زنجیرهای تانک در جاده های داغان شده، پوچکهای خالی، جای دل شگاف راکتها و مرمی های ثقیل در پیکر سیاه شده عمارتها، در همه جا دیده میشد، عمارت موزیم زیر رگبار گلوله ها تصویری غمباری را به تماشا میگذاشت، دارالامان بویره محیط پیرامون قصرها و موزیم ملی قبل از جنگهای مجاهدین با مناظر دل انگیز و چشم نوازی زیبایی روح پروری را به تماشا میگذاشت و جان را شاد میکرد، اما با شروع جنگها بدون ترحم بتباهی و ویرانی کشیده شد.

ساحه ادارالامان و عمارت موزیم تا ماه ثور سال ۱۳۷۲ خورشیدی تحت کنترول مجاهدین شورای نظار) و جمعیت تحت رهبری فرمانده احمدشاه مسعود و عمارت های اطراف قصر، تحت کنترول افراد مربوط جنرال مومن و مجاهدین (حرکت اسلامی) تحت فرماندهی سید حسین انوری قرار داشت.

عمارت موزیم را یک گروه مسلح تحت کنترول داشت، مجاهد جوانی با ریش مشکی و کیسوان بلند که با هیچ تمهیدی زیر پکول طبقی اش نمیخوانید با چمپر چرکین پلنگی که چشمانش از فرط خستگی و بیخوابی و گرمای روز به زحمت باز و بسته میشد، و تعداد مجاهد دیگر که صدای حرف زدن شان از عقب دیوار بگوش میرسید مراقبت میشد،

او از دخول من به محوطه موزیم با وجود ارائه کارت هویت ماموریت ممانعت بعمل آورد، در آن لحظه حینیکه از چند متری به دروازه دخولی عمارت موزیم که همیشه مقفل و مهپور میبود نگاه کردم، علائم خراشیدگی و بی موازنگی در آن بمشاهده میرسید. با عجز به محافظ مسلح گفتم؛ برادر، اجازه بده تا دروازه و کلکین های عمارت موزیم را یکبار از نزدیک نگاه کنم، در پاسخ مثل اینکه حرف زشتی گفته باشم، گفت اجازه نیست، وقتی بالتماس دوباره خواهش کردم با پرتاب شراره پرنفرت نگاهش بسویم گفت! گیبه نمیدانی. ما در غم چه هستیم تو در غم چه هستی، پیش از آنکه با رگبار گلوله ها یا اصابت راکت که ممکن است هرلحظه فرود آید نقش زمین شوی راحت را بگیر و از اینجا دور شو. فردای آن با ارایه گزارشی به وزارت اطلاعات و فرهنگ دل خوش نموده بودم که تدبیرهای حفاظتی اتخاذ خواهد شد و موزیم مصئون خواهد ماند. اما مسئولین ارشد وزیر اطلاعات (صدیق چکری) که وظیفه عمده اش را هدایت تبلیغات جنگ و جهاد به نفع گروه خودش (جمعیت اسلامی) تشکیل داده بود، اقدامی برای نجات موزیم انجام نداد، در نتیجه در سرقتهای هدایت شده آثار گنجینه های تاریخی موزیم بوسیله جناح های که در دارالامان مستقر بودند به یغما برده شد.

مجله آئینه افغانستان در باره یغماگری آثار تاریخی افغانستان نگاشته است (۱۰) :

(حدود یکماه بعد از سقوط کابل بدست طالبان و فرار ربانی از کابل، احمد شاه مسعود وزیر دفاع، دگر جنرال محمد یونس قانونی معاون وزیر دفاع از مرکز قوماندانی خود در پنجشیر اعلان کردند که تعداد هفت هزار جلد کتاب های قلمی قدیم را از موزیم و آرشیف ملی گرفته. برای حفاظت با خود به پنجشیر آورده اند» این خبر در جریده امید در همانوقت نیز نشر شده است « وقتی قوماندان احمد شاه مسعود از پنجشیر به کنار دریای آمو قریه ئی خواجه بهوالدین در ولایت تخار انتقال یافت بار دیگر از آن منبع پخش شد که کتاب ها و آثار موزیم را برای حفاظت به کولاب (شهری در تاجکستان) ارسال کرده اند، اما پیرامون رجعت و بازگشت آثار تا بحال خبری نشر نشده است. محمد اعظم سیستانی، نویسنده و محقق آورده است (۱۱) :

« با ورود مجاهدین بکابل در ۸ ثور سال ۱۳۷۱خ (۲۸ اپریل ۱۹۹۲م) چور و چپاول دارائی های عامه از جمله موزیم کابل آغاز یافت، هریک از گروپ های مجاهدین : (حزب وحدت - عبدالعلی مزاری)، (جمعیت اسلامی - برهان الدین ربانی)، (شورای نظار - احمد شاه مسعود)، (حزب اسلامی - کلبدین حکمتیار)، (جنبش ملی - عبدالرشید دوستم) و غیره بالنوبه آنچه که در دست شان آمد به یغما بردند، آنرا در بازارهای پاکستان به قیمت ناچیز بفروش رسانیدند. شورای نظار (مسعود) در هنگام فرار از کابل در ۱۹۹۶ (۱۳۷۵) بسیاری از آثار ارزشمند را... با خود به پنجشیر بردند، و بمرور زمان توسط افراد با نفوذ شورای نظار بخارج انتقال دادند و بفروش رسانیدند. جناب سیستانی از قول یک دکتور طب که فعلاً در کانادا مهاجر است نگاشته است (۱۲) :

« در عهد حکومت ربانی در شفاخانهء جمهوریت (کابل) مشغول طبابت بودم، تفنگ داران شورای نظار (مربوط مسعود) شبانه مرا برای ترجمانی فروش آثار فرهنگی غارت شده از موزیم ملی می بردند. و پیش از عرضه اشیا غارت شده، مامورین ریاست باستان شناسی را به زور تفنگ حاضرمی کردند، تا قیمت آثار غارت شده را برای شان بگویند، آنها درحالیکه از ترس می لرزیدند، نرخ و قیمت آثار دزدیده شده را با تأثر و رنگ پریده می گفتند، و سپس آثار در معرض دید و بیع برای قاچاقچیان آثار عتیقه گذاشته می شد.

.... دهها اثر عاج بگرام که در ماه اپریل ۱۹۹۴م در اسلام آباد دیده شده بود، قیمت آن به ۲۰ میلیون پوند بریتانوی می رسید زمانیکه این عاجها از پاکستان کشیده شد قیمت آن چهل میلیون پوند بالا برده شد... تعداد ۳۴ مجسمه که قیمت آنها به میلیونها کلدار تخمین زده میشد، ۱۶ شمشیر عصر مغولی، شمشیر احمد شاه ابدالی، و تفنگچه وزیر اکبر خان و غیره ۲۳ میلیون دالر قیمت داشت دریک دوکان واقع یکی از زیرزمینی های کوچی بازار پشاور غرض فروش به نمایش گذاشته شده بود.» فاریستن ایکونومیک ریویو نگاشته است (۱۳). (گروهی از روزنامه نگاران رسانه های بین المللی در سال ۱۹۹۵م از موزیم کابل بازدید نمودند، و متوجه گردیدند که دروازه ها از جاکشیده شده، روک الماری ها تخلیه و جعبه های قبلاً مملو از آثار تاریخی شکسته در روی اطاق ها پراکنده شده بودند که قبلاً به تعداد چهل هزار سکه های سابقه را که یکی از قدیمی ترین و بزرگترین کلیسیون در نوع خود در جهان بود. براساس ادعای باستان شناسان تاختم سال ۱۹۹۵م در حدود ۹۰ فیصد آثار تاریخی و فرهنگی موزیم ملی غارت گردید. )

#### خانم ناسی دوبری (۱۴) در مقاله خود آورده است :

(موزیم کابل طی سال های ۹۲ - ۱۹۹۶ میلادی بصورت همه جانبه چپاول گردیده آرشیف ملی (۱۵) طی سالهای جنگ تنظیم ها صدمات متحمل شده بخشی از آثار آن از ویتزین ها چپاول گردید، قصر چهلستون مربوط سال ۱۸۸۸میلادی در اثر جنگ های میان تنظیمی به تل خاک تبدیل شده است.)

« با ورود نیروهای مجاهدین به شهر کابل و با گسترش جنگ از ساختمان موزیم ملی بعنوان سنگر استفاده شد. در این دوره بیش از ۷۰ فیصد آثار ارزشمند این گنجینه نابود و یا مورد غارت قرار گرفت. پس از سقوط مجاهدین و آمدن طالبان آثار باقیمانده توسط طالبان که هر نوع مجسمه را کفر آمیز می دانستند از بین بردند» (۱۶).

نگارش این سطور تنها گنجی کلانی برای گریستن در سوگ موزیم های سرقت شده، کاخ ها و آبادیهای سوخته در کابل و دارالامان نیست، بلکه یادی است از یک واقعیت غم انگیز و نشان دادن خاطره بجای فراموشی و عبرت اندوزی و تاکید به درستی این درس تاریخ که سیستم جنایت، آدم کشی، ویرانگری و سرقت های تاریخی را نمیتوان پنهان و در اسارت نگهداشت. مردم افغانستان سرقت موزیم ها و آثار تاریخی را خیانت به ملت می دانند و خشمگینانه بآن اعتراض مینمایند.

بهر اندازه که مطالبات دادخواهی ملت پیرامون (دوسیه موزیم)، افزایش یابد بهمان اندازه باز یابی آثار تاریخی سرقت شده موزیم ها سهل تر خواهد شد.

در شماره آینده میخوانید:

**- سر نوشت شگفت انگیز گنجینه های طلا تپه**

**پی نویسیها:**

-----

(۱) - آثار و داشته های موزیم ملی مشتمل بر دو بخش بود:

**الف** - آثار قبل از ظهور اسلام، در این کلیکسیون (آثار سنگی متعلق به ماقبل التاريخ تا (سابقه ۴۰۰۰ سال) مجموعه های گوناگون سنگی و فلزی بودائی، انواع مسکوکات و زیورات مختلف دوره های تاریخی (که تعداد مسکوکات آن از ۴۰۰ تا شصت هزار سکه) می رسید - عاج های هندی، وسایل و لوازم عتیقه مورد استفاده انسانها و غیره شامل بود.

**ب** - کلیکسیون دوره اسلامی، عمدتاً آثار وزیرین را شامل بود، قرآن دست نویس خلیفه سوم، حضرت عثمان، ایاتی از قرآن به خط امام حسین، قرآن به خط کوفی که (در سال ۱۳۴۴ خورشیدی از شهر غلغله بدست آمده بود)، آثار خطی علما و شعرای معروف «هفت اورنگ جامی، هفت پیکر نظامی، هشت بهشت و لیلی و مجنون امیر خسرو دهلوی - بوستان سعدی به خط میر عماد خطاط معروف دوره تیموری، دیوان میرزا عبدالقادر بیدل که از طرف امیر بخارا به امیر حبیب الله اهدا شده بود، دیوان خطی حضرت حافظ به خط میر محمد محسن که برای سلطان حسین بایقرا نگاشته شده بود و غیره.

**موزیم اردو:** در شمال قصر تاج بیک دارالامان در یک عمارت اهدائی عبدالمجید خان زابلی در "۲۸ اسد سال ۱۳۶۵ش (روز استقلال و روز تأسیس اردوی افغانستان) بگونه باشکوهی ایجاد و افتتاح گردیده بود. در این موزیم انواع آثار و اسلحه ناریه و جاریه از دوره های مختلف تاریخ مانند (نیزه ها، سپر ها، شمشیر ها، کرچ ها، کلاه و تن پوش های زرهی و چرمی، انواع تفنگ و تفنگچه های چقماقی پلته ئی، دهن پر و انواع اسناد تاریخی فرهنگی، نظامی، تابلوها، نقاشی ها، فوتو های تاریخی و نمونه های اسلحه و تخنیک محاروبی دوصد ساله اخیر جمع آوری گردیده بود.

(۲) در جنگ دوم جهانی بعد از حمله هیتلر بر "اتحاد شوروی" شهر لینینگراد پترز بورک امروزی مورد محاصره و شدید ترین بمباردمان هوایی و زمینی قرار گرفت. در آنجا بر علاوه کاخ های مجلی تزاری یک عمارت "کلیسا" که در نوع خود کم نظیر و بسیار زیبا و با احجار قیمتی چون لاجورد و غیره تزئین یافته است وجود دارد. ستالین هدایت میدهد که عمارت کلیسا ولو بهر قیمتی باید از صدمات بمباردمان هوایی و زمینی دشمن در امان بماند. بالاخره عمارت کلیسا، در جریان ۹۰۰ روز محاصره معروف لینینگراد صدمه ندید اما جنگجویان جهادی هم موزیم ها را زدیدند، و هم عمارت ها و کاخ ها را ویران نمودند.

(۳) - یک راننده موتر لوژستیکی که نخوست اسمش افشاء گردد، در آن روزهای جنگ، شب ها در عمارت شمال موزیم ملی (تعمیر ریاست اداری وزارت دفاع) سپری میکرد، به نگارنده حکایت کرد.

(۴) - محمد صدیق چکری یکی از وزرای اطلاعات و فرهنگ، دوره حکومت ربانی در زمان جنگ کابل بود، او بر علاوه که به سوء استفاده از رسانه های دولتی در تبلیغات بسیجی جنگی به نفع گروه خودش (جمعیت اسلامی) در جریان جنگ های کابل متهم است - وظیفه او هیچ اقدامی را که جلوگیری از سرقت موزیم ها و تخریب قصرهای دارالامان و چهلستون منجر گردد انجام نداد، چکری به راه اندازی جشن کتاب سوزی در پوهنتون کابل در جریان جنگ ها - اختلاس چند ملیارد افغانی از جمع مبلغ هنگفت که (ربانی و مسعود) توسط او به تحریک طالبان، فرستاده بودند و بعد ها که بحیث وزیر حج و اوقاف (حکومت حامد کرزی) اشغال داشت به اختلاس پول حجاج افغانی متهم گردیده، دوسیه او در خارنوالی تحت بررسی قرار داده شده و سرمایه های او (قرار اظهار معاون لوی

خارنوالی بتاریخ ۲۶ جوزای سال ۱۳۸۹ش با تلویزیون طلوع) در بانکهای دوی و انگلستان منجمد قرار داده شد.

(۵) - شماری از معروفترین فرماندهان (شورای نظار، جمعیت اسلامی) که سوق و اداره جنگ های گروهی را در کابل منجمه در دارالامان که طی آن آثار تاریخی موزیم ملی بسرقت برده شد، بعهده داشتند، عبارت بودند از:

احمد شاه مسعود فرمانده عمومی، ملا قسیم فهیم رئیس استخبارات و معاون، محمد یونس قانونی معاون، بسم الله محمدی فرمانده قطعه هجومی، گل حیدر فرمانده جنوب، صالح ریگستانی رئیس اوپراسیون، بابا جان ... و قوماندانان

د پائو شمیره: له ۶ تر 7

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرو مخکې په خیر و لولی

پناه، امان الله گذر- بابا جلدنر - انور دنگر -، ملا عزت، باز محمد احمدی، محمد اسحاق، داکتر عبدالرحمن، عبدالله عبدالله و غیره ( رسول سیاف، شیر علم، زلمی طوفان ) از متحدین مسعود ربانی در جنگ های دارالامان بودند.

( ۶ )- فرماندهان حرکت اسلامی تحت رهبری شیخ آصف محسنی که با اسکان در ساحه دارالامان ( موزیم اردو ) تحت کنترول آنها قرار داشت و غارت گردید عبارت بودند از : سید حسین انوری، .....

( ۷ )- فرماندهان حزب وحدت اسلامی تحت رهبری عبدالعلی مزاری، دارالامان ( ساحه موزیم ) را بتاريخ ۱۴/۲ / ۱۳۷۲ متصرف و آثار بجا مانده از سرقت مرحله اول از موزیم ملی بسرقت برده شد، عبارت بودند از : ( ابوذر غزنوی قوماندان فرقه ۵۹۷، جان محمد ترکمنی، ابراهیمی بهسودی، سید علی علوی ) که بدست طالبان کشته شدند، محمداکبری، کریم خلیلی، شفیع دیوانه، علی اکبر قاسمی قوماندان فرقه ۵۹۵ - حاجی امین فرمانده فرقه ۵۹۶ - قوماندان نبی مشهور به گاو، انجنیر لطیف - سدیدان شناس هاشمی و دیگران.

( ۸ )- شورای ( شش نفره ) طالبان که مسئول فاجعه بار ترین وقایع از جمله نابودی موزیم ملی اند و کابل را اداره میکردند : اعضای آن ( ملا محمد ربانی سرپرست شورا، ملا محمد غوث وزیر خارجه، ملا امیر جان متقی وزیر اطلاعات، ملا سید غیاث الدین آغا - ملا فاضل محمد و ملا عبدالرزاق ) بود .

( ۹ )- گزارش جیمز استیل ( تاراج دامنه دار و دزدان دلیر ) ترجمه داکتر صبور الله سیاسنگ ( سایت انترنیتی کابل ناتھ - به سر دبیری آقای " اشیرداس " )

( ۱۰ )- مجله آئینه افغانستان شماره مسلسل ۱۰۲ صفحه ۱۴۹

( ۱۱ ) مقالات محقق و نویسنده کاندید اکادمیسین محمد اعظم سیستانی ( سرنوشت آن هفت هزار نسخه خطی موزیم کابل و ارشیف ملی چه شد ) و ( گنجینه های فرهنگی چور و چپاول موزیم ملی توسط اتحاد شمال تا فروش آثار ) ( سایت انترنیتی افغان جرمن اول / می / ۲۰۰۶ میلادی

( ۱۲ ) در جریان پژوهش و تحقیق بر مسئله ای سرقت موزیم ها به هویت آن دکتور طب که از سوی جناب محمد اعظم سیستانی محقق و نویسنده نام آور تلوياً معرفی گردیده بود آشنا گردیدم . این طبیب حازق، شاعر و نویسنده فیاض جناب صبور الله سیاسنگ است . در صحبت تلیفونی مسئله ای را که اجباراً به صحنه فروش آثار تاریخی موزیم ها بحیث ترجمان برده می شدند تأیید فرموده مژده دادند که اسناد معتبر و فراوانی بدست دارند که آنها را طی اثری ویژه ای بنام ( دوسیه موزیم ) در آینده ها ارائه خواهند داد .

( ۱۳ )- فاریستن ایکونومیک ریویو، ۲۳ سپتمبر ۱۹۹۵ میلادی

( ۱۴ )- خانم ناسی دو پری مقاله ( اختصاصی بمناسبت پنجمین سالگرد فاجعه فراموش ناشدنی پیکره های بودا در بامیان شماره ۱۸ و ۱۹ مجله آسمانی، )، همچنان، ناسی دوپری در جای دیگر گفته است ( در آغاز دهه نود حضور و نفوذ قدرت مرکزی از میان رفت، چپاولگران اثر های باستانی فرصت طلانی را برای غارت و چپاول بدست آوردند . تنها در " میرزکه " بمقدار چهارونیم تن سکه به اضافه دو صد سامان آرایش طلا و نقره متعلق به دوره پیش از تاریخ که در سال ۱۹۴۷ میلادی بصورت تصادفی گشفت و نگهداری شده بودند غارت گردید. ( مقاله صدیق رهپو طرزی - تمدن سند و هلمند آغاز گر تمدن ما، سایت انترنیتی آریایی مارچ ۲۰۱۰ میلادی .

( ۱۵ )- ارشیف ملی در سال ۱۳۶۲ خورشیدی بنام نگارستان ملی مسمی گردید تا سال ۱۳۷۰ دارای ۸۳۰ اثر بود، ( ۲۰۰ ) اثر آن در جریان جنگ ها بغارت برده شد ( ۲۱۰ ) اثر آن بوسیله طالب ها از بین برده شدند ( سایت کابل زمین - آژانس خبری پژواک در مصاحبه با آقای سید عبدالقادر رئیس نگارستان ملی )

( ۱۶ )- مقاله بصیر احمد حسین زاده ( موزیم ملی و نود سال پر فرار و نشیب ) مورخ ۶ جوزای سال ۱۳۸۷ خ - سایت های ادیب و روشنایی، به سر دبیری سراج الدین ادیب .

### توجه : کلیپ گزارشی از باز گشایی موزیم کابل و جنگها را از اینجا تماشا کنید

گزارش ویدیویی موزیم کابل که در حالت زار قرار دارد.

موزیم کابل که تا سال نود و دوی میلادی صد هزار اثر تاریخی ارزشمند را در خود جا داده بود بوسیله تنظیم های جهادی غارت گردید و حال به گفته رئیس موزیم بیش از هفتاد فیصد آثار آن غارت گردیده است. گفته میشود که از جمله تفنگچه شاه امان اله خان، قهرمان ملی افغانستان بوسیله گلبدین به پسر دیکتاتور نظامی پاکستان ضیالاحق هدیه داده شد و سایر آثار در بازار های جهان به فروش رسیدند.

برای تماشای این ویدیو کلیپ اینجا را کلیک کنید

موزیم کابل که در سال ۱۹۲۲ تاسیس شده، زمانی یکی از بزرگترین مجموعه های آثار باستانی جهان بشمار میرفت/ این کلیپ را از گزارش لیلماه حبیب عظیمی تماشا کنید

Treasures from Afghanistan Exhibit of - نمایشگاه گنجینه های از افغانستان را با یک کلیک از اینجا تماشا کنید

د پائو شمیره: له ۷ تر 7

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکني د لیکنيزې بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په خیر و لولی